

## مقدمه

امروزه دانش عامل حیاتی و مزیت رقابتی در موفقیت سازمان‌ها، به‌جای سرمایه‌های مادی و فیزیکی به‌شمار می‌رود و از دانش به‌عنوان «سرمایه فکری» یاد می‌شود که مانند هر سرمایه و منابع دیگر، نیازمند مدیریت است. «مدیریت دانش»، فرایند ایجاد، آماده‌سازی، انتشار و تجاری‌سازی دانش، تعریف شده است (رضاییان، ۱۳۸۲).

فرایندی بودن مدیریت دانش، بیانگر پویایی، پیوستگی و تکاملی چرخه حیات دانش است که گسست و اختلال در هریک از فرایندها، کل حیات و چرخه مستمر دانش را به‌عنوان یک سیستم کلان، به مخاطره می‌اندازد. وقتی از نقش اطلاعات در سازمان همانند نقش جریان خون در اعضای موجودات زنده تعبیر می‌شود، روشن است دانش که از اطلاعات، دقیق‌تر، پرمعنی‌تر و کامل‌تر است، به طریق اولی فقدان آن مرگ زودرس سازمان را در پی خواهد داشت.

امروزه دانش و فناوری، پیشرفت قابل توجهی نموده که تولید، سرعت و انباشت اطلاعات و دانش را به دنبال داشته است. هرچند انباشت اطلاعات و دانش یک مزیت است، اما نکته مهم این است که اطلاعات انباشته‌شده، تشخیص اطلاعات غلط و درست را با مشکل مواجه می‌کند و ضرورت مدیریت دانش را چند برابر افزایش می‌دهد؛ زیرا اولاً، میان اطلاعات و دانش، علی‌رغم تشابه، تفاوت‌هایی وجود دارد که باید با دیگری خلط نگردد، دانش و اطلاعات به‌جای دیگری مبادله نگردد. ثانیاً، مدیریت دانش از فرایند مستمر و چرخه حیات برخوردار است که باید به‌طور مداوم، حرکت پویا و مستمر داشته باشد و هیچ‌گاه حرکت تکاملی آن متوقف نگردد. بنابراین، سازمان‌ها در محیط متحول، متلاطم، با رشد شتابان و پرقب و به مدیریت دانش نیاز دارند.

مدیریت دانش یکی از موضوعات نسبتاً نوظهور و محصول دهه ۱۹۷۰ به بعد به‌شمار می‌رود. دانشمندانی مانند پیتر دراکر در بحث «ارتقای دانش و اطلاعات»، پیترسنگ با طرح «سازمان‌های یادگیرنده» به این موضوع علمی کمک کردند. وسیع‌ترین کار تحقیقاتی در زمینه مدیریت دانش، در سال ۱۹۹۵ توسط آقایان نوناکا و تاکچی در سازمان خلق دانش به نام «چگونه شرکت‌های ژاپنی نوآوری و پویایی را به وجود می‌آورند؟» صورت پذیرفته است (یاری‌گر روش، ۱۳۸۲). این تلاش‌ها، به‌طور عمده از سوی دانشمندان غیرمسلمان انجام گرفته و تاکنون پژوهشگر با جست‌وجو در اسناد، منابع و سایت‌ها «noormags.com»، «magiran.com» و امثال آن، در میان اندیشمندان اسلامی به پژوهشی در فرایند مدیریت دانش، دست نیافته است.

## مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی

manteghi@qabas.net

zahir.akbari@yahoo.com

محسن منطقی / استاد یار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

ظاهر اکبری / کارشناسی ارشد مدیریت اسلامی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۹ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

## چکیده

مدیران امروزی به‌دنبال طرح و اجرای مدیریت دانش در سازمان‌ها هستند. دانش برای سازمان‌های امروزی، عامل حیات‌بخش و مزیت رقابتی به‌شمار می‌آید که فقدان آن موجب حذف یک سازمان از صحنه رقابت می‌گردد و یا دست‌کم سازمان را با ناکارآمدی در عرصه فعالیت مواجه می‌سازد.

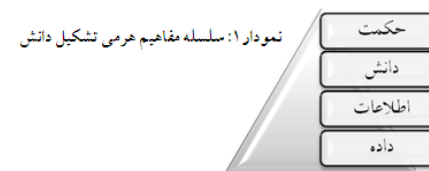
هرچند مدیریت دانش، ضرورت سازمان‌های امروزی معرفی شده است، اما با مراجعه به منابع اسلامی و تاریخی می‌توان دریافت که دین اسلام، به تحصیل، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار دانش، اهمیت داده که محصول آن، جمع‌آوری، ثبت و نگهداری مستندات دینی، نشر و ترویج معارف اسلامی در موضوعات گوناگون است. براین اساس، این مقاله تلاش دارد با اتکا بر روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی فرایند سکوت، کسب، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار دانش با الهام از منابع اسلامی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: دانش، مدیریت دانش، فرایند، منابع اسلامی.

با توجه به ضرورت تکمیل چرخه حیات یا فرایند مدیریت دانش، این تحقیق تلاش دارد به بررسی فرایند مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی بپردازد. ضرورت تحقیق با رویکرد اسلامی این است که آموزه‌های اسلام ظرفیت مناسبی در طرح، تکوین و تکمیل فرایند مدیریت دانش دارد که تاکنون به صورت مدون، منسجم و مستقل از متون اسلامی استخراج نگردیده است. از این رو، این مقاله تلاش می‌کند پس از تبیین مفاهیم، به بررسی مدیریت دانش و فرایند سکوت، کسب، نگه‌داری، به‌کارگیری و انتشار دانش با الهام از منابع اسلامی بپردازد.

### تبیین مفاهیم

برای رسیدن به تعریف «مدیریت دانش» و فرایند آن، ابتدا به توضیح واژگان و سلسله مفاهیم هرمی شکل زیر پرداخته تا هم رابطه مفاهیمی مانند دانش و اطلاعات و واژگان مرتبط دیگر روشن گردد و هم چگونگی تشکیل و تکامل دانش به دست آید.



**داده:** داده، مشاهدات یا واقعیت‌های ساده است که به‌طور مستقل هیچ معنایی را منتقل نمی‌کند. داده‌ها ماده اولیه و خام تولید اطلاعات می‌باشند که باید در کنار کلمات دیگر قرار گیرند، تا معنادار باشند. **اطلاعات:** از قرار گرفتن داده‌ها در یک بافت یا یک متن، که اغلب به‌صورت یک پیام است، «اطلاعات» شکل می‌گیرد. در واقع اطلاعات، داده‌های ساختاریافته، طبقه‌بندی‌شده و تجزیه و تحلیل‌شده‌ای هستند که می‌توان آنها را منابع اطلاعاتی نام‌گذاری کرد. این اطلاعات قابل مدیریت و اداره کردن هستند.

**دانش:** اطلاعاتِ انباشته‌شده و غنی‌شده، وقتی به‌صورت منظم و ساختاریافته در کنار هم قرار گیرند و بین آنها ارتباط ایجاد شود دانش شکل می‌گیرد. دانش بر «داده» و «اطلاعات» پایه‌گذاری می‌شود و به استفاده کامل و کافی از داده و اطلاعات، توان، مهارت، ظرفیت، ایده، شهود، تعبیر و تفسیر انسانی، اطلاق می‌شود (Pankaj Sharma; 2004, p. 17) در واقع، می‌توان گفت: دانش، تحلیل اطلاعات است. چنانچه در یک تعریف جامع و دقیق‌تر نیز آمده است: دانش مجموعه قابل‌بازیابی

اطلاعات تأیید شده است (هاشمیان و منهاج، ۱۳۸۶). دانش مجموعه‌ای از شناخت‌ها و مهارت‌هایی است که برای حل مسئله به‌کار می‌رود. دانش به عینی و ذهنی تقسیم می‌شود: دانش عینی، دانش آشکار، صریح و بیان‌شده است که از حالت ذهنی درآمده، با کلمات دنیای بیرون طرح شده، مستندسازی شده و با قالب‌های نمادین و یا زبان طبیعی منتقل گردیده است. به‌عبارت دیگر، دانش عینی دانشی است که می‌توان آن را به‌صورت کلمات و اعداد بیان داشت و آن را به‌صورت داده، فرمول‌های علمی، مشخصات، مقالات و دستورالعمل‌ها و غیره تسهیم نموده و به دیگران انتقال داد. این نوع دانش را می‌توان به سهولت در میان افراد به‌صورت رسمی و منظم انتشار داد.

دانش ذهنی یا پنهان، دانشی است که به‌صورت تلویحی در ذهن افراد قرار دارد و مستندسازی نشده است. دانش ذهنی دارای ویژگی‌هایی مانند ناملموس بودن، نامرئی بودن، ذهنی بودن و زمان‌بر بودن است که به‌سادگی نمی‌توان آن را انتشار داد (قلیچ‌لی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

دانشمندان مسلمان، ضمن آنکه علم و دانش را از نظر لغوی مطلق آگاهی دانسته، اما در تبیین مفهوم آن گفته‌اند: علم در اسلام به‌طور کلی، در دو مفهوم به کار رفته است: یکی، حقیقت و اصل علم است و دیگری، ظاهر و فرع آن. حقیقت علم یا دانش نوری است که در پرتو آن، انسان جهان را آن‌گونه که هست می‌بیند و جایگاه خود را در هستی می‌یابد. آیات و احادیثی که علم را نور می‌دانند، یا دانش را ملازم ایمان می‌دانند، در واقع جوهر، حقیقت و مغز دانش را توضیح می‌دهند. پس، جوهر دانش است که به آن ارزش ذاتی می‌دهد. اما علوم رسمی پوسته علم است و ارزش آن مطلق و ذاتی نیست، بلکه مشروط و مقید است؛ یعنی تا جایی دانش رسمی ارزش دارد که در خدمت انسان باشد و خطر آفرین نباشد. خطر بزرگی که امروز جامعه بشر را تهدید می‌کند، این است که دانش رشد کرده، ولی جوهر و خاصیت خود را از دست داده است (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۴).

**خرد / حکمت:** از تلفیق دانش‌های گوناگون، خرد یا حکمت حاصل می‌شود؛ یعنی اگر کسی بتواند رابطه میان دانش‌های مختلف را کشف کند، قانونمندی‌ها و اصول حاکم بر آنها را بداند به حکمت دست یافته است (رضاییان، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

سلسله مفاهیم هرمی چهارگانه، که در نمودار (۱) نمایش داده شد، یکی از تقسیم‌بندی‌های مشهور در مدیریت دانش (KM) و سیستم اطلاعات مدیریت (MIS) است که برخی پژوهشگران واژه «حقیقت» را نیز در سلسله مفاهیم هرمی چهارگانه افزوده و حقیقت را از لحاظ رتبی، بالاتر و پیچیده‌تر از «خرد» معرفی کرده‌اند (سهرابی و دارمی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

مفاهیم و واژگان مزبور و از جمله دانش و حکمت را اندیشمندان مسلمان با رویکرد دینی مورد بحث و مطالعه قرار داده‌اند. آنان در پژوهش‌های خود، واژه حکمت را در قرآن و سنت نیز یافته و از نظر لغوی برای حکمت دو معنای بنیادین بیان کرده‌اند: معنای اول، منع و معنای دوم، استواری است؛ یعنی حکمت مانع از نادانی و خوی زشت است. از نظر اصطلاح قرآن و سنت گفته‌اند: حکمت، یعنی مقدمات علمی، عملی و روحی برای نیل انسان به هدف والای انسانیت. بر این اساس، حکمت را سه قسم دانسته‌اند که هر کدام پله‌های نردبان ترقی انسان به مقام کامل انسانی و کمال مطلق است؛ یعنی پله اول این نردبان را پیامبران الهی بنا نهادند و وظیفه انسان است که پله دوم را بسازد. اما نردبان سوم بر خدای متعال است که آن را کار گذارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۸).

حکمت انواعی دارد که در ذیل به صورت خلاصه توضیح داده می‌شود:

۱. **حکمت نظری:** ویژگی این حکمت این است که قابل تعلیم است. حکمت نظری، همان عقل نظری است که از دیدگاه قرآن شامل تمامی معارف اعتقادی، اخلاقی و عملی می‌گردد.
۲. **حکمت عملی:** این حکمت، مقدمه عملی برای رسیدن به مقام و مرتبه انسان کامل است. آیات و روایاتی که حکمت را به طاعت خدای تعالی و تقوا و نگهبانی دین و ملازمت حق و طاعت راستین و مدارا با مردم و دوری از کبائر و اجتناب از نیرنگ تفسیر می‌کند، به این نوع حکمت اشاره دارند.
۳. **حکمت حقیقی:** حکمت نظری، مقدمه حکمت عملی و حکمت عملی، مقدمه حکمت حقیقی است. مادامی که انسان به این درجه و مقام از حکمت نرسیده، حکیم به مفهوم واقعی نیست. حکمت حقیقی، در واقع جوهر علم و حقیقت دانش و روشنایی آن است. از این رو، خواص دانش حقیقی و آثار آن، مانند خشیت الهی، حلم و... بر این امر مترتب می‌شود (همان).

## مدیریت دانش

تعاریف متعددی از «مدیریت دانش» ارائه شده است. در یکی از تعاریف آمده است: «مدیریت دانش در سازمان تلاش برای مدیریت کردن دانایی‌ها، مهارت‌ها، دانش و بینش کارکنان، مدیران و ذی‌نفعان درونی و بیرونی است» (مهرعلیزاده و عبدی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). در تعریف دیگر آمده است: «مدیریت دانش کوششی است برای تبدیل دانش کارکنان (سرمایه انسانی) به دارایی مشترک سازمانی (سرمایه فکری ساختاری)». همچنین در تعریف دیگری آمده است: «مدیریت دانش رشته‌ای علمی است که شیوه‌ای برخوردار از حمایت دوجانبه را برای ایجاد، تصرف، سازمان‌دهی و استفاده از اطلاعات تشویق و تقویت می‌نماید» (جعفری‌مقدم، ۱۳۸۵، ص ۷۲). به‌طور کلی، مدیریت دانش تلاش می‌کند تا

دسترسی به تجارب و اطلاعات موجود در سازمان را برای کلیه کارکنان سازمان، فراهم سازد (مهرعلیزاده و عبدی، ۱۳۸۸، ص ۹۶).

در مدیریت دانش، آنچه بیش از همه مورد تجزیه و تحلیل دانشمندان قرار گرفته است، چرخه حیات یا فرایند آن است که به انتخاب، تلخیص، ذخیره‌سازی، سازمان‌دهی، دسته‌بندی و انتقال اطلاعات ضروری برای کسب و کار سازمان می‌پردازد، به‌گونه‌ای که عملکرد کارکنان و مزیت رقابتی شرکت را بهبود ببخشد (Bergeron, 2003, p. 8).

بدین ترتیب، مدیریت دانش دارای فرآیندی است که هم در ادبیات رایج و هم در منابع اسلامی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. در ذیل ابتدا فرایند مدیریت دانش را در ادبیات مدیریت مرور نموده و پس از آن، به تبیین فرایند مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی، پرداخته می‌شود.

## فرآیند مدیریت دانش در ادبیات مدیریت

در ادبیات مدیریت، چرخه حیات یا فرایند مدیریت دانش، مختلف و متعدد بیان شده است که برای نمونه، به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

**فرآیند مدیریت دانش از دیدگاه ویگ:** فرایند یا چرخه مدیریت دانش را شامل چهار گام اصلی مانند خلق، حفظ، تسهیم و کاربرد، بیان کرده است (قلیچ‌لی، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

**فرآیند مدیریت دانش از دیدگاه بيو کویتز و ویلیامز:** که فرایند مدیریت دانش، به‌طور کلی شامل ایجاد، حفظ و به‌کارگیری دانشی است که برای سازمان ارزش افزوده ایجاد می‌کند (همان، ص ۷۲).

**فرایند مدیریت دانش از دیدگاه بیرکین شاو و شیهان:** فرایند مدیریت دانش را شامل ایجاد و خلق، آماده‌سازی، انتشار و تجاری‌سازی، معرفی کرده است (رضاییان، ۱۳۸۲).

**فرآیند مدیریت دانش از دیدگاه دالکر:** براساس مطالعه و مقایسه رویکردهای قبلی، دالکر فرایند مدیریت دانش یکپارچه را طرح نموده که در جدول ذیل ارائه شده است (قلیچ‌لی، ۱۳۸۸، ص ۷۶).

جدول ۱: فرایند مدیریت دانش یکپارچه دالکر

ویگ (۱۹۹۳)	مه پر و زاک (۱۹۹۶)	مک الوری (۱۹۹۹)	یو کویتز و ویلیامز (۲۰۰۰)	بیرکین شاو و شیهان (۲۰۰۲)	دالکر (۲۰۰۵)
خلق	کسب	یادگیری فردی و گروهی	کسب	خلق	خلق / کسب
تأمین	پالایش	اعتباریابی بیانیه دانش	کاربرد	آماده‌سازی	خلق / کسب
تدوین	ذخیره سازی/ بازیابی	کسب اطلاعات	یادگیری	انتشار	خلق / کسب
تبدیل	توزیع	اعتباریابی دانش	کمک	تجاری‌سازی	خلق / کسب و متنی سازی
توزیع	نمایش / کاربرد	یکپارچگی دانش	ارزیابی	تسهیم، توزیع و دسترسی	تسهیم، توزیع و دسترسی
کاربرد	.....	.....	ایجاد/ حفظ	درک، کاربرد و به روزآوری	درک، کاربرد و به روزآوری
تحقق ارزش			عدم سرمایه‌گذاری		

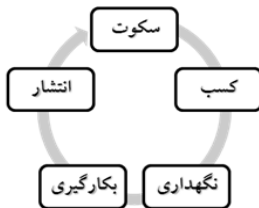
در روایات بعضی از ائمه علیهم‌السلام نیز فرایند پنج‌گانه همانند روایات پیشین، که از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شد، آمده است: و قال بعضهم: «أَوَّلُ الْعِلْمِ الْإِنصَاتُ ثُمَّ الْإِسْتِمَاعُ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّشْرُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴).

روایاتی که به فرایند خاصی از مدیریت دانش اشاره نموده، فراوان است. در اینجا برای نمونه به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

- الف. در حدیثی آمده است: «أَوَّلُ الْعِلْمِ الْإِنصَاتُ» (همان، ص ۱۵)؛ اولین فرایند دانش، سکوت است.  
 ب. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد کسب دانش فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳)؛ کسب دانش بر هر مرد و زن مسلمان، واجب است.  
 ج. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد حفظ و نگه‌داری دانش فرمود: «فَيَدُّوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۲۴)؛ دانش را با نوشتن، نگه‌داری کنید.

- د. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد عمل و به‌کارگیری دانش، فرمود: «إِذَا عَلِمَ الْعَالِمُ فَلَمْ يَعْمَلْ كَانَ كَالْمِصْبَاحِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَ يَحْرِقُ نَفْسَهُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵)؛ هرگاه دانشمندی دانش خود را به کار نگیرد، همانند چراغی است که برای مردم روشنی می‌بخشد، ولی خویشتن را می‌سوزاند.  
 ه. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ارتباط با نشر و اظهار دانش فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»؛ هنگامی که بدعت در میان امت من آشکار گردد، دانشمندان باید دانش خود را آشکار نمایند؛ دانشمندی که چنین نکند، بر خداست که وی را لعنت کند.

با استفاده از روایاتی که بدان اشاره شد، می‌توان فرایند مدیریت دانش را از منظر اسلام، به‌صورت نمودار ذیل ارائه کرد:



نمودار ۲: فرآیند مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی

### سکوت

اولین گام یا فرایند مدیریت دانش در منابع اسلامی، سکوت است. در مرحله سکوت به مسایل، مشکلات و نیازهای سازمان، قلمرو، وسعت، عمق، اعتبار، دقت، به موقع بودن، ربط داشتن، هزینه، کنترل و جامعیت دانش، دقت و توجه لازم صورت می‌گیرد. مثلاً چه دانشی نیاز است تا کسب شود؟ طی چه زمان و کدامین منبع؟ چه دانشی باید در اولویت باشد؟

علاوه بر موارد مزبور، اندیشمندان دیگری نیز به فرایند مدیریت دانش از نظر کیفی و کمی توجه نمودند و از فرایند هشت‌گانه با عناوین زیر نام برده‌اند: ۱. خلق و کسب دانش؛ ۲. اصلاح دانش؛ ۳. استفاده فوری؛ ۴. طبقه‌بندی؛ ۵. انتقال؛ ۶. ترجمه یا تفسیر و تطبیق؛ ۷. انتشار؛ ۸. حذف (اخوان و همکاران، ۱۳۸۹). اما از آنجاکه هدف از این پژوهش، بررسی و تبیین فرایند مدیریت دانش از منظر اسلام است، این مقاله در تلاش است به فرایند مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی بپردازد.

### فرآیند مدیریت دانش در منابع اسلامی

با توجه به تعاریفی که از مدیریت دانش در ادبیات رایج نقل شد، به‌طور کلی می‌توان گفت: مدیریت دانش از منظر اسلام تلاش برای تحقق دانایی‌ها کارکنان، مدیران و ذی‌نفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند سکوت، کسب، نگه‌داری، به‌کارگیری و انتشار دانش، برگرفته از آموزه‌های اسلام برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است. در منابع اسلامی، برای مدیریت دانش فرایندی بیان شده است که می‌توان آن را از آیات و روایات به دست آورد.

در منابع اسلامی آمده است: «مردی خدمت رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله دانش چیست؟ فرمود: سکوت کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: گوش فرادادن. گفت: سپس چه؟ فرمود: حفظ کردن. گفت: سپس چه؟ فرمود: به آن عمل کردن. گفت: سپس چه ای رسول خدا؟ فرمود: انتشار دادن» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۸).

مضمون حدیث فوق به‌صورت جدی‌تر، در حد لزوم و وجوب، در روایت دیگری از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که حضرت فرمود: «چهار چیز بر هر صاحب خرد و عقلی از امت من واجب است. گفتند: ای پیامبر! آن چهار چیز چیست؟ گفت: «به علم و دانش گوش فرا دادن، و آن را به یاد سپردن، و در میان مردمان نشر کردن، و خود به کار بستن» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۷).

همچنین از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که در ایام فتح مکه، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در محوطه کعبه ایستاده بود که هیأتی از نمایندگی قبیله بکرین وائل محضر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و به حضرت سلام کردند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آنها در مورد قَسَبِ سَاعِدِهِ پرسید. آنها در پاسخ گفتند: مُرِد. پیامبر خدا در حق او دعا کرد و از صفات و رفتار نیک او یاد نمود و گفت: او برای مردم خطبه می‌خواند و می‌گفت: ای مردم گرد آید و چون گرد آمدید، خاموش شوید و چون خاموش شدید، گوش دهید و چون شنیدید، بیندیشید و کامل فرابگیرید و چون فرا گرفتید، به خاطر بسپارید و چون به خاطر سپردید، درست نقل کنید و انتشار دهید (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

واژه «انصات» و «سکوت» که در احادیث، نقل شد، می‌تواند حاکی از سکوتی همراه با تفکر، دقت روی مسایل و شناسایی دانش باشد. به عبارت دیگر، این سکوت، سکوت انفعالی نیست، بلکه سکوت فعالانه، همراه با تفکر به منظور شناسایی دانش است. چنانچه در حدیثی آمده است: «أَوَّلُ الْعِلْمِ الْإِنصَاتُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵)؛ اولین گام در فرایند دانش، سکوت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ» (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱)؛ سکوت، شعار پژوهشگران است.

دانش از منظر اسلام، با توجه به متعلق و مورد آموزش، به پنج دسته واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح، تقسیم می‌شود (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۴۱). در این میان، برخی از دانش‌ها در دو طرف و دو طیف مقابل قرار می‌گیرند؛ یعنی برخی علوم موجب هدایت، سعادت، کمال و قرب الهی می‌گردد و انسان را به‌طور مستقیم به بهشت راهنمایی می‌کند که تحصیل آن واجب است. بعضی دانش‌ها موجب شقاوت، گمراهی و دوری انسان از خدا می‌گردد که انسان را به جهنم سوق می‌دهد. بنابراین، دانش‌ها دارای انواع گوناگون و درجات متفاوت هستند که از نظر ارزشی، اعتبار یکسانی ندارند. سازمان‌های دانشی، مناسب است در فرایند سکوت، تأمل کنند و به شناسایی دانش واجب و حرام، نافع و غیرنافع، توجه نموده، دانش اهم و مهم را اولویت‌بندی نمایند.

در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که روزی حضرت وارد مسجد شد. گروهی را دید که دور مردی حلقه زده و اطرافش را گرفته‌اند. فرمود: این کیست؟ گفتند: علامه است. فرمود: چه علامه‌ای؟ عرض کردند: داناترین مردم به انساب عرب، حادثه‌ها و وقایع آنها، داستان‌های جاهلیت و شعرهای عربی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این علمی است که هرکس آن را نداند، به او زبانی نرساند و برای کسی که آن را بداند، سودی ندهد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۸).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بهترین دانش‌ها آن است که انسان را هدایت کند و بدترین دانش‌ها دانشی است که معاد و سرنوشت قیامت انسان را فاسد نماید» (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸). امام صادق علیه السلام در اجتناب و حرمت دانش و صنایع حرام، فرمود: «آنچه که از آن و در آن فقط فساد است و هیچ اثری از صلاح در آن و از آن نباشد، یاد دادن و یادگرفتن و عمل به آن و مزد گرفتن بر آن و همه تصرفات دیگر از هرنوع که باشد، حرام است» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵).

بنابراین، دانش در منابع اسلامی انواع و درجات مختلفی دارد: چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دانش بیش از آن است که به شمار درآید، پس از هرچیز نیکوترینش را بگیر» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷). بدین ترتیب، اولین گام یا فرایند مدیریت دانش، سکوت است تا سازمان‌ها روی نیاز و اهداف

خود، با آرامش خاطر، فکر نمایند و پس از جرح و تعدیل دانش‌های موجود، انتخاب کارآموزان و آموزگاران شایسته، ابزار و فنون مناسب، دانش ضروری و موردنیاز خود را شناسایی نموده و برای کسب و تحصیل آن، اقدام نمایند.

### کسب دانش

دومین فرایند مدیریت دانش از منظر اسلام، استماع و گوش دادن به‌منظور کسب دانش است؛ یعنی پس از آنکه دانش ضروری سازمان با سکوت و تفکر مورد شناسایی قرار گرفت، مدیر عالی یا رهبری دانش، که مسئول امور دانشی سازمان است، لازم است کارکنان دانشی را برای کسب و تحصیل دانش، بسیج کند و آنها را مورد حمایت و تشویق مادی و معنوی قرار دهد. «کسب دانش» به توانمندی‌ها، مهارت‌ها و تمایلات نیروی انسانی مانند تفکر، پرسش، تواضع، صبر و استقامت و امثال آن وابسته است تا کارکنان، دانش موردنیاز سازمان را کسب کنند و از صفات و رفتارهای منفی مانند تکبر، حسادت، پنهان‌کاری و امثال آن، که مخل امور یادگیری هستند، اجتناب نمایند. چنانچه در حدیثی امام صادق علیه السلام طمع، بخل، خودنمایی، تعصب، خودستایی، حقیقت‌گریزی، زحمت لفاظی، کم‌حیایی، فخرفروشی، ترک عمل به دانش را از آفات دانشمندان برشمرده است (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰).

علاوه بر توانمندی و تمایل افراد، کسب دانش به ابزار و وسایل، اعم از ابزار سمعی و بصری و همچنین فنون و مهارت‌های وابسته است که مدیر عالی دانش، بایستی آن را در اختیار کارکنان قرار دهد و در این جهت آنان را یاری نماید تا کارکنان فراگرفته‌های خود را به نحو مطلوب ثبت و ضبط نمایند و در اختیار سازمان قرار دهند.

### نگهداری دانش

یکی از فرآیندهای مهم در مدیریت دانش، نگهداری دانش است. افراد و سازمان‌های دانش پس از آنکه دانشی موردنیاز خود را کسب کردند، مناسب است آن را حفظ و نگه‌داری نمایند تا مبادا دانش ایجادشده، از حافظه سیستم پاک شود و یا ذهن و حافظه افراد آن را فراموش نماید. همان‌گونه که گفته شده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ، وَ لِلْعِلْمِ آفَاتٌ» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۹۸)؛ هرچیز آفتی دارد اما برای دانش آفات زیادی است. یکی از آفت‌های دانش، فراموشی است. چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷).

در حد خود هر چند یک روش مهم و مؤثری در نگهداری دانش شمرده می‌شود. اما امروزه روش‌های مؤثرتر و گسترده‌تری نیز وجود دارد مانند روش گروهی و سازمانی که مناسب است به آن توجه شود.

### ب. روش سازمانی

زندگی امروز، زندگی سازمانی است. سایه و چتر فعالیت سازمان‌های امروزی دوران تولد تا مرگ افراد را دربر می‌گیرد. گستردگی فعالیت سازمان‌ها نشان از امکانات، تجهیزات و آمادگی همه‌جانبه سازمان‌های امروزی است که یکی از مهم‌ترین قلمروهای فعالیت آن، حفظ و صیانت از دانش سازمان است. سازمان‌های امروزی، علاوه بر اینکه از روش فردی همانند گفتاری، شنیداری، پرسشی و نگارشی، در نگهداری دانش، استفاده می‌کنند، آنها با استفاده از تعریف اصطلاحات، حافظه الکترونیکی، دیجیتال کردن دانش، جایگزین کردن دیویدی‌ها به نوار ویدئویی و امثال آن، که هر روزه با امکانات و تجهیزات جدیدتر و پیشرفته‌تری تولید می‌شوند، می‌توانند دانش لازم و ضروری خود را حفظ و نگهداری نمایند (گیلبرت و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۷۰).

روش سازمانی نگهداری دانش، نسبت به روش فردی از امتیازاتی برخوردار است. از جمله آنکه در روش گروهی و سازمانی، اشکالات و غلط‌های احتمالی که در نوشتار، گفتار و فهم افراد پیش می‌آید، رفع و اصلاح می‌گردد. علاوه بر این، مباحثه و گفت‌وگوهای علمی موجب شور و نشاط علمی می‌گردد و به تسهیم و توزیع دانش در میان اعضا و انجمن‌های دانشی، کمک می‌کند. افزون بر این، خداوند هم جلسات و مذاکرات علمی را که موجب کشف حقیقت و هدایت افراد می‌گردد، دوست دارد.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «ساعتی نزد دانشمند نشستن و گفت‌وگوی علمی کردن، نزد خدای متعال از صد هزار رکعت نماز مستحبی و صد هزار تسبیح و فراهم آوردن ده هزار اسب جنگی برای مجاهدان در راه خدا محبوب‌تر است» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۰). رسول اکرم ﷺ فرمود: «خداوند عزوجل می‌فرماید: گفت‌وگوی علمی میان بندگانم از چیزهایی است که چون به امر من بینجامد، دل‌های مرده با آن زنده می‌شود» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۸).

امیرالمؤمنین ع فرماید: «هان! خردمند کسی است که با اندیشه‌ی درست و نگاهی دوراندیش، از آرای گوناگون استقبال کند» (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۴۸).

بدین ترتیب، یکی از فرایندهای مدیریت دانش، نگهداری دانش است. با نگهداری دانش، سازمان‌ها می‌توانند به طبقه‌بندی و اولویت‌بندی دانش پردازند و هنگام لزوم آن را به کار گیرند و به آن عمل نمایند.

بدین ترتیب، حفظ و نگهداری دانش برای سازمان‌ها مهم هستند؛ چراکه سازمان‌ها دائم‌العمر به دانش و کارکنان دانشی دسترسی ندارند و حتی برخی اوقات سازمان‌ها مجبورند کارکنان مازاد خود را اخراج کنند. برخی کارکنان بازنشسته شوند و برخی نیز گرفتار مرگ شوند و چه بسا برخی کارکنان، خودشان بنا به دلایلی همکاری نکنند و فعالیت خود را ادامه ندهند و استعفا دهند. اینها هر کدام آفات، آثار منفی و خسارات جدی است که بر سازمان‌ها تحمیل می‌شوند. در این ارتباط، سازمان‌ها باید تدابیری بیندیشند، هدر رفتن دانش و خروج کارکنان دانشی را کنترل و مدیریت کنند و برای این کار، روش مفید و سودمندی را انتخاب نمایند.

به طور کلی، در منابع اسلامی به نگهداری و حفظ دانش همانند سایر فرایندهای دیگر، فراوان سفارش شده است و حتی به وجوب و لزوم آن تأکید شده است. رسول اکرم ﷺ فرمود: «چهار چیز بر هر صاحب خرد و عقلی از امت من واجب است. گفتند: ای پیامبر! آن چهار چیز چیست؟ فرمود: به علم و دانش گوش فرا دادن، و آن را حفظ کردن، و در میان مردمان نشر کردن، و خود به کار بستن (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۷).

امام صادق ع فرمود: «علم خویش را بنویس و میان برادرانت انتشار ده، و هنگامی که مرگت فرا رسید کتاب‌های خود را به ارث برای فرزندان باقی گذار؛ زیرا که زمانی پرآشوب خواهد آمد که مردم به چیز دیگری جز کتاب نتوانند انس یافت» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۴).

### روش‌های نگهداری دانش

نگهداری دانش به روش فردی و سازمانی قابل انجام است که در ذیل به صورت خلاصه، تبیین می‌گردد:

### الف. روش فردی

افراد یا کارکنان دانشی می‌توانند دانش را از طریق حضور در کلاس‌های آموزشی و از طریق وسایل و امکانات سمعی و بصری، پرسش، نگارش و امثال آن، حفظ و نگهداری کنند تا هم به صورت شخصی از آن نفع ببرند و هم برای افراد و سازمان‌ها، نشر و توزیع کنند. روش فردی با محدودیت‌هایی مواجه است؛ زیرا ذهن و حافظه شخصی افراد، توان حفظ و نگهداری دانش گسترده امروزی را ندارند و از طرفی نیز افراد وسایل و امکانات لازم را در اختیار ندارند. علاوه بر این، در برخی از امور، افراد تا عضو یک سازمان و نهاد رسمی نباشند، اجازه کسب، نگهداری و انتشار دانش را ندارند. بنابراین، روش فردی

**به‌کارگیری دانش**

دانش و عمل باهم رابطه دارند. دانشی که به کار گرفته نشود، آفت و وبال است. «الْعِلْمُ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَبَالٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۹)؛ یعنی دانش موردنیاز، زمانی که کسب و تحصیل شد، مناسب است مورد استفاده سازمان‌ها قرار گیرد، مشکلات آنها را حل نماید، فرایندکاری کارکنان را تسهیل نموده، تولید را رونق بخشد و به‌طور کلی، اهداف مادی و معنوی سازمان را تأمین نماید. دانشی که برای کسب آن زحمت کشیده شود، هزینه مالی اختصاص داده شود، وقت صرف گردد، اما از آن استفاده نشود و منشأ عمل قرار نگیرد، وبال و موجب عذاب و گرفتاری انسان خواهد بود. بنابراین، همان‌گونه که فعالیت و عمل ناآگاهانه افراد، آثار سوء دارد، دانش بدون عمل نیز آثار مخربی را بر زندگی فردی و سازمانی افراد، خواهد گذاشت.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «عمل‌کننده بی‌دانش، مانند رونده در بیراهه است. هرچه از راه روشن دورتر رود، از مقصودش دورتر می‌شود و عمل‌کننده با دانش، مانند رهسپار راه روشن است. پس بیننده باید نیک بنگرد که آیا پیش‌رونده است، یا واپس آمده» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۰۱).

خداوند در سرزنش افرادی با ایمان و دانشمند، که دانش خود را به کار نمی‌گیرند، فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲)؛ ای اهل ایمان! چرا آنچه را می‌گویید به آن عمل نمی‌کنید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سخت‌ترین عذاب در روز قیامت، از آن کشنده پیامبر یا پدر و مادرش و یا دانشمندی است که از دانشش بهره‌ای نجسته است» (نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰). در منابع اسلامی، افراد و مصادیقی از دانشمندان بیان شده که آنان به دلیل عمل نکردن و سوء استفاده از دانش، مورد مذمت قرار گرفته‌اند. مشهورترین فردی که در منابع اسلامی به آن اشاره شده، بلعم باعورا است که اسم اعظم الهی را می‌دانست و خداوند دعاها را وی را اجابت می‌کرد. اما سرانجام، بلعم به طرف فرعونیان میل کرد و عاقبتش مصداق آیه «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ» (اعراف: ۱۷۶)، واقع شد و الاغش که وی را همراهی نکرد، یکی از حیوانات قابل ستایش، مورد ستایش قرار گرفت (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۳).

در منابع اسلامی، رابطه عمل بی‌دانش و عمل با دانش، تفکیک شده و آثار منفی و مثبت هریک بر کار و رفتار افراد مورد اشاره قرار گرفته است که در ذیل، نمونه‌هایی از آن به اجمال بیان می‌گردد:

**الف. مزایای به‌کارگیری دانش**

- خدا، فرشتگان و اهل طاعت، آنان را دوست دارد (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۹).

- حلال و حرام مورد شناسایی قرار می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۶، ص ۶).

- دانش، افزایش می‌یابد (همان، ج ۴۰، ص ۱۲۸).

- دانش، ماندگار می‌گردد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹، حکمت ۳۶۶).

- آراستگی دنیوی و اخروی، هدایت به بهشت و رضایت الهی نصیب انسان می‌شود (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴).

**ب. معایب دانش بدون عمل**

- دوری از خدا و کفر (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۵).

- خواری در چشم مردم (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۹).

- وبال و عذاب سخت (لیثی واسطی، ۱۳۷، ص ۴۹).

- پشیمانی سخت هنگام مرگ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵).

- بی برکتی، تنگنای معیشت، واگذاری به خود و هلاکت (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۱۰۰).

- مبتلا شدن به هفتاد عقوبت که کمترین آن، گرفته شدن حلاوت و لذت عبادت از انسان است (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۴۰).

حاصل آنکه، دانش در منابع اسلامی، ملاک تکلیف و فعالیت انسان است؛ یعنی همان‌گونه که هرکاری ناآگاهانه، موجب فساد و تباهی است، دانش موجود نیز اگر به کار گرفته نشود، وبال و موجب گرفتاری و عذاب خواهد بود. بدین ترتیب، پس از آنکه افراد، دانش را در درون یک سازمان به کار گرفتند، شایسته است همان‌گونه که خود از دانش دیگران استفاده نمودند، آن را برای افراد و سازمان‌های دیگر نیز توزیع، ترویج و انتشار دهند.

**انتشار دانش**

آخرین فرایند مدیریت دانش در منابع اسلامی، انتشار دانش است. یکی از احادیثی که بیان شد، این بود: «أَوَّلُ الْعِلْمِ الْأَنْصَاتُ ثُمَّ الْإِسْتِمَاعُ ثُمَّ الْحِفْظُ ثُمَّ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّشْرُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵). یعنی فرایند مدیریت دانش با سکوت، آغاز می‌گردد و با انتشار و توزیع به دیگران، پایان یافته و کامل می‌گردد.

در منابع اسلامی، انتشار دانش همانند تحصیل دانش، یک امری واجب و فرض معرفی شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بر هر دانشمندی واجب است خود را با پارسایی حفظ کند و دانش خود را به

### نتیجه‌گیری

فرآیند یا چرخه حیات دانش، یکی از مباحث مهم در مدیریت دانش است که به دلیل اهمیت آن، برخی از دانشمندان اساساً مدیریت دانش را همان فرایند مدیریت دانش، تعریف کرده‌اند. در این پژوهش فرایند مدیریت دانش، با الهام از منابع اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با مراجعه به آیات و روایات، به‌دست آمد که سکوت، کسب دانش، نگاه‌داری دانش، به‌کارگیری دانش و انتشار دانش، چرخه حیات یا فرایند مدیریت دانش از منظر منابع اسلامی هستند. همچنین فرایند مزبور از سکوت تا انتشار دانش، همگی یک فرایند پویا و پیوسته به‌شمار می‌روند که توقف و گسست در هر چرخه یا فرآیند، کل حیات سیستم را به مخاطره می‌اندازد؛ و بعکس، حرکت مستمر و تکاملی دانش، نه‌تنها موجب خلق دانش جدید در سازمان می‌گردد، بلکه تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد، مزیت رقابتی پایدار را برای سازمان ایجاد می‌کند و به‌طور کلی، عملکرد سازمان را افزایش می‌دهد.

جویندگان آن، بذل و بخشش نماید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۴). در همین ارتباط، امام کاظم علیه السلام فرمود: «زَكَاتُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۱)؛ تزکیه دانش، یاد دادن آن به دیگران است. بدین ترتیب، از منظر اسلام نه‌تنها نشر و گسترش دانش واجب است که بر آن ثواب مترتب است و وعده بهشت داده شده، بلکه هرکس دانش را کتمان و پنهان نماید و به دیگران نشر و پخش نکند، مورد لعن و نفرین الهی قرار می‌گیرد. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ مِيرَاثُهُ الدَّفَاتِرُ وَ الْمَحَابِرُ وَ جَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۶)؛ کسی که بمیرد و میراثش دفتر و دوات باشد، بهشت بر او واجب می‌شود. در اسلام، افرادی که دانش نصیبش گشته، باید شکرگذار الهی باشد، به دانش خود عمل کند و دانش فراگرفته را به دیگران ببخشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «شَكَرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۸)؛ سپاس‌گذاری دانشمند این است که به دانش خود عمل کند و آن را به افراد مستحق، ببخشد.

ترویج و گسترش دانش در منابع اسلامی، به روش‌های گوناگونی انجام شده و قابل تبیین است. با استفاده از منابع اسلامی، به‌طور کلی می‌توان انتشار دانش را به روش رسمی - مانند جلسات آموزشی، نامه‌های رسمی، خطبه‌ها و مناظرات - و غیررسمی - مانند دعا و مناجات، مباحثات درسی دو نفره و چند نفره، گفت‌وگوی دوستانه، قصه و داستان، اشعار - تقسیم نمود. برای نمونه، در منابع اسلامی، **نهج البلاغه** حاوی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حکمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که توسط سید رضی جمع‌آوری شده و انتشار یافته است. مجموعه کتب حدیثی اهل بیت علیهم السلام مانند **کافی** توسط مرحوم کلینی، **من لا یحضره الفقیه**، توسط شیخ صدوق، **تهذیب و استبصار** توسط شیخ طوسی در ابواب مختلف عقاید، احکام، اخلاق، جمع‌آوری گردیده و انتشار یافته است. همچنین سلسله معارفی از عقاید و اخلاق **صحیفه سجاده** در قالب دعا، انتشار داده شده است.

بدین ترتیب، با انتشار دانش، اصل فرآیندی مدیریت دانش از منظر منابع اسلامی، کامل می‌شود. با تکمیل فرایند مدیریت دانش و خلق دانش نوین و مستمر در سازمان، تصمیم‌گیری بهبود می‌یابد. مزیت رقابتی پایدار برای سازمان به وجود می‌آید و به‌طور کلی، عملکرد سازمان افزایش می‌یابد. البته فرآیندهای مدیریت دانش، پویا و پیوسته است؛ یعنی هر فرایند با فرایند دیگر در ارتباط است و رابطه آن نیز پیوسته است که یکدیگر را پوشش می‌دهد و تکمیل می‌کند. برای نمونه، انتشار دانش، با آنکه خود یک فرایند مستقل است، اما در فرایند حفظ و نگاه‌داری دانش نیز کمک می‌کند و گسسته یا بی‌ارتباط با فرآیندهای دیگر، نیست.



نهج البلاغه، ۱۳۸۹، ترجمه محمد دشتی، چ چهارم، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.

اخوان، پیمان؛ ۱۳۸۹، «توسعه فرآیندهای چرخه مدیریت دانش مبتنی بر عوامل مؤثر بر موفقیت مدیریت دانش»، سیاست علم و فن آوری، سال سوم ش ۲.

برقی، احمدابن محمد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محدث، چ دوم، قم دارالکتب الاسلامیه.

تیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۱۰، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمحمد رجایی، قم، چ دوم، دارالکتب الاسلامی.  
جعفری مقدم، سعید، ۱۳۸۵، مستندسازی تجربیات مدیران از دیدگاه مدیریت دانش، تهران، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو.

ابن شعبه حرانی، حسن‌ابن علی، ۱۴۰۴ق، تحفالعقول عن آل الرسول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت دارالفکر.

دیلمی، حسن‌ابن محمد، ۱۴۰۸ق، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.

رضاییان، علی، ۱۳۸۹، سیستم اطلاعات مدیریت، چ دهم، تهران، سمت.

—، ۱۳۸۲، «چرخه حیات دانش»، پیام مدیریت، ش ۷ و ۸

سهرابی، بابک و هادی دارمی، ۱۳۸۹، مدیریت دانش با رویکرد amba، تهران سمت.

مصباح الشریعه (۱۴۰۰)، منسوب به امام صادق علیه السلام، بیروت.

حرعاملی، محمدابن حسن، ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

قلیح لی، بهروز، ۱۳۸۸، مدیریت دانش، تهرانته سمت، چاپ اول.

کراجکی، محمدابن علی، ۱۴۱۰ق، کنز الفوائد، تصحیح عبدالله نعمه، قم، دارالذخایر.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحديث.

گیلبرت، پروست، و دیگران، ۱۳۸۵، مدیریت دانش، ترجمه علی حسینی خواه، تهران، یسپرون.

لیثی الواسطی، علی‌ابن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحديث.

مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحديث.

مهرعلیزاده، یدالله و عبدی محمد رضا، ۱۳۸۸، نظام مدیریت دانش، اهواز، دانشگاه شهید چمران.

نیشابوری، محمدابن احمد، ۱۳۷۵، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، رضی.

هاشمیان، ناهید و منهایج، محمدباقر، ۱۳۸۶، «دانش چیست؟ مروری ادبیات، مقایسه تعاریف، ارائه تعریف جدید»،

رهیافت، ش ۴۰.

یاری‌گرووش، حسن، ۱۳۸، «تاریخچه مدیریت دانش»، توسعه مدیریت، ش ۴۹.

Bergeron Bryan; 2003. Essetials of Knowledge Management, Published by John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey.

Sharrma Pankaj; 2004. Knowledge Management. New Delhi: A.P.H. Publishing corporation.